

# کار گروهی و متشکل

مرحوم علامه طباطبایی، صاحب تفسیرالمیزان، ذیل آیه آخر سورة آل عمران که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون؛ ای مؤمنان استوار باشید و با یکدیگر پایداری پیشه کنید و با ارتباط با یکدیگر از اسلام مرزداری نمایید و پروادار خدا باشید باشد که رستگار و پیروز گردید، درباره کلمه «رابطوا» می‌گوید:

«مراد از این کلمه آن است که انسان‌ها، چه در حال آرامش و راحتی و چه در بلا و سختی لازم است که قدرت‌های مادی و معنوی خود را روی هم ریخته و کلیه شئون حیاتی خویش را در پرتو همکاری اجتماعی و روابط تعاونی به سامان برسانند.»

ایشان سپس پیرامون این موضوع مهم حدود هفتاد صفحه توضیح می‌دهد و به تبیین زندگی اجتماعی در اسلام و خروج از فردیت و عمل فردی و در آمدن در حیات جمعی می‌پردازد و تأکید می‌کند که اسلام از ما مسلمانان می‌خواهد که با سازماندهی نیروها و برقراری یک حیات جمعی و متشکل شدن در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی از مرزهای عقیدتی و نیز جغرافیایی اسلام دفاع کنیم و اسلام را به‌عنوان یک مکتب پیشرو و رهایی‌بخش به جهانیان معرفی نماییم.

به نظر می‌رسد که این دستور اسلام در پانزده قرن پیش، اکنون بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته و اهمیت پیدا کرده است. زیرا وقتی ما به اوضاع فرهنگی و اجتماعی خود نظر می‌کنیم و موقعیت خودمان، به‌عنوان یک مسلمان، را در جهان کنونی ارزیابی می‌کنیم، احساس می‌کنیم که صحنه کنونی جهان، صحنه مبارزه‌ای سخت و نفس‌گیر میان دینداری و بی‌دینی، اسلام و کفر و حق و باطل است و مخالفان حق و حقیقت با متشکل کردن نیروهای خود و سازماندهی آن‌ها با تمام قوا وارد مبارزه شده‌اند.

گرچه این مبارزه و درگیری در همه بخش‌های زندگی اجتماعی، اعم از اقتصادی، امنیتی، حقوقی و سیاسی جاری است. اما شدت این مبارزه در بخش فرهنگ و فکر و سبک زندگی بسیار بیشتر و جدی‌تر است و عمق مبارزه در هیچ کدام از آن بخش‌ها به عظمت درگیری و منازعه میان فرهنگ و سبک زندگی اسلامی از یک طرف و فرهنگ و سبک زندگی سکولار از طرف دیگر نمی‌باشد.

همه ما کم یا زیاد با فضای رسانه‌های مدرن، اعم از تلویزیون و اینترنت و موبایل و آنچه که فضای مجازی نامیده می‌شود، آشنا هستیم و می‌دانیم که جبهه باطل با قدرت و سلطه‌ای که بر اکثریت این رسانه‌ها دارد به‌صورتی کاملاً متشکل و سازمان‌دهی شده و با برنامه‌ریزی دقیق باورها و عقاید و رفتارهای دینی را تخریب می‌کند و به تبلیغ سبک زندگی غیردینی و ضددینی می‌پردازد و مشاهده می‌کنیم که چگونه با ترفندهای مختلف می‌کوشد نسل جدید مسلمانان را مرعوب خود کند و از آن‌ها انسان‌هایی ضعیف‌النفس و لاپالی نسبت به هویت ملی و دینی خود بسازد و آن‌ها را به انسان‌هایی بدون هویت، دنباله‌رو و فاقد عزت و قدرت و غیرت دینی کند.

گرچه تعداد اندکی از مسئولان جامعه با تصمیم‌های غلط و عملکردهای ناپسند زمینه رو آوردن جوانان به غرب را فراهم می‌کنند، اما اصل این است که برنامه‌های دقیق و گسترده دشمنان دین که در تمام کشورهای اسلامی به اجرا در می‌آید، جوانان ما را در معرض آسیب‌های جدی قرار داده است.



**وقتی که ما به اوضاع فرهنگی و اجتماعی خود نظر می‌کنیم و موقعیت خودمان، به‌عنوان یک مسلمان، را در جهان کنونی ارزیابی می‌کنیم، احساس می‌کنیم که صحنه کنونی جهان، صحنه مبارزه‌ای سخت و نفس‌گیر میان دینداری و بی‌دینی، اسلام و کفر و حق و باطل است**

البته توجه داریم که استفاده دشمنان از این حجم عظیم امکانات و اقدامات نشانه قدرت عظیم و تأثیرات گسترده اسلام در جهان معاصر، زنده بودن و پویایی و تحرک این دین و توانایی ایستادگی آن در برابر تهاجم‌هاست. و الا برای مقابله با یک موجود ضعیف و یا در حال مرگ نیازی به بسیج این همه امکانات نیست. ما معلمان و به خصوص معلمان دینی و قرآن و درس دین و زندگی و درس خانواده و سبک زندگی، در خط مقدم این مبارزه فرهنگی و اجتماعی قرار داریم و به‌طور طبیعی سپر بلای بسیاری از نوجوانان و جوانانی هستیم که در معرض تیرهای فساد و تباهی و بمباران وحشتناک فکری و عقیدتی قرار دارند. برنامه‌های تهاجمی دشمن عموماً متمرکز بر آن‌هاست تا با تغییر هویت نسل جدید و دنباله‌رو خود کردن آنان بتواند پیروزی را برای خود رقم بزند و اسلام را از معرکه بیرون براند.

البته باید گفت که تمام معلمان، از آن جهت که در تربیت عمومی دانش‌آموزان نقش دارند، در خط مقدم مبارزه با بی‌هویتی هستند، اما همان‌طور که گفتیم، جایگاه معلمان دینی و قرآن و درس خانواده با سایر معلمان، در این مبارزه کاملاً متفاوت است. زیرا تهاجم دشمن به تمام هویت و محتوای درس او، که دین و سبک زندگی دینی است، مربوط می‌شود، نه بخش خاصی از آن. از همین رو معلمان این دو درس نیازمند ابزارهایی قوی‌تر و امکاناتی وسیع‌تر و هم‌افزایی بیشتر هستند. اینجاست که تبیین علامه طباطبایی از آیه شریفه ۲۰۰ سوره آل‌عمران اهمیت پیدا می‌کند و حرکت به سوی عمل جمعی و گروهی و کار متشکل ضرورت قطعی می‌یابد. ضرب‌المثل معروف «یک دست صدا ندارد» در اینجا کاملاً صادق است. تأثیر برنامه‌های تعلیمی و تبلیغی هر دو نفری که با معاضدت با یکدیگر عمل می‌کنند، چهار برابر عمل هر کدامشان به‌تنهایی است و تأثیر عمل هر یک از افراد یک گروه چهارنفره چندین برابر عمل هر کدام از آن‌ها به‌صورت انفرادی است. کار گروهی و تشکیلاتی در حوزه تعلیم و تبلیغ دین، در شرایط امروزی، مثل نان روزانه ضروری و واجب و شیوه اصلی مبارزه با جبهه باطل و رسانه‌های پیچیده آن‌هاست و مرزبانی و دفاع از تفکر اسلامی، مهم‌ترین حوزه کار تشکیلاتی و اجتماعی محسوب می‌شود و در عصر حاضر که دشمنان اسلام به‌صورتی بسیار گسترده و سنگین به اسلام هجوم آورده‌اند، ضروری‌تر است. لذا ما معلمین دینی و قرآن و فلسفه و خانواده که مرزبانان واقعی تفکر اسلامی هستیم، باید در منطقه و شهر خود و در سطح استان و در سطح کشور به سوی کار گروهی و تشکل درسی و فکری حرکت کنیم و نیروی فردی و اندک خود را به نیروی عظیم و پرقدردت مبدل سازیم.

برای شروع به کار و قدم گذاشتن در این جهت، چند پیشنهاد تقدیم می‌شود:

۱. تشکیل جلسات هفتگی یا ماهانه معلمان و انتخاب یک نام برای این جلسه دائمی؛
۲. طرح مسئله‌ها و مباحث جاری در حوزه دین و مرتبط با کتاب‌های درسی و ارائه نظرات و تدوین آن‌ها برای استفاده یکدیگر در کلاس؛
۳. تأسیس گروه در یکی از پیام‌رسان‌های داخلی موجود برای تبادل اطلاعات و در اختیار یکدیگر قرار دادن محتواهای آموزشی مانند کلیپ‌ها و تصویرها؛
۴. طرح سؤال‌ها و مسئله‌های جدید دانش‌آموزان و تبادل نظر در نحوه پاسخ به سؤال‌ها و مسئله‌های دانش‌آموزان؛
۵. ارتباط برقرار کردن با سایر گروه‌های معلمی در شهرها و استان‌های دیگر و تبادل داده‌ها و اطلاعات؛
۶. تأسیس جلسات یا گروه‌های مشترک با دانش‌آموزان علاقه‌مند برای همراهی با آنان و طرح موضوعات تأثیرگذار در آن‌ها؛

در پایان به دو نکته توجه کنید:

۱. پیشنهادهای فراوان دیگری هم امکان‌پذیر است که شما دبیران محترم می‌توانید با ما در میان بگذارید و یا در گروه‌ها مطرح کنید تا به تدریج کار تشکیلاتی رونق بگیرد و قدرت تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان افزایش یابد.
۲. معلمان و دبیرانی که اکنون چنین تشکل‌هایی را دارند و کارگروهی می‌کنند، با ما تماس بگیرند و تجارب خود را برای ما توضیح دهند تا در مجله درج شود و به اطلاع سایر دبیران برسد.

**ما معلمان دینی و قرآن و فلسفه و خانواده که مرزبانان واقعی تفکر اسلامی هستیم، باید در منطقه و شهر خود و در سطح استان و در سطح کشور به سوی کار گروهی و تشکل درسی و فکری حرکت کنیم و نیروی فردی و اندک خود را به نیروی عظیم و پرقدردت مبدل سازیم**